

نگذارید عاطفه ها را به دار آویزند

بیانیه "انجمن دانشجویی دفاع از حقوق بشر در ایران" درباره ی اعدام يك دختر نوجوان

چهارشنبه ۴ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۵ اوت ۲۰۰۴

بی گنه زنجیر بر پایم زدند
وای از این زندان محنت بار من
وای از این چشمی که می کاود نهران روز و شب در چشم من راز من
گوش بر در می نهد تا بشنود شاید آن گمگشته آواز من

دخترک را چگونه بر دار آویختند؟ چگونه آرزوهای "عاطفه رحیمی" را در زیر خاک مدفون ساختند؟ چشم های نگران عاطفه در واپسین لحظات زندگی به دنبال چه بود؟ هرگاه که به این سوالات می اندیشیم بغض تمام وجودمان را می فشرد .

اعدام، این واپسگرایانه ترین برخورد بشر در برابر رخدادهای اطراف خود، چه جان هایی را که نگرفته است. ننگ بر آیین و مذهبی که اینگونه در جان ستاندن انسان ها دست و دلبازی می کند. حضور دین در عرصه ی حکومتی، آن هم با آبخشور عصر وحشی ها، چنین سرنوشتی را برای ما رقم زده است. متولیان دین عشق را ممنوع کرده اند تا فساد در جامعه پیله نیندد، اما نادان تر از آن هستند که دریابند جنایت علیه انسان را کلید زده اند. عاطفه ها به دار کشیده می شوند، بی آنکه بیرسیم چرا. آهای کسانی که حکم مرگ عاطفه ها را صادر می کنید، آیا شما را با انسانیت کاری هست؟ می دانیم که اگر چنین بود، اینگونه جان انسان ها را نمی ستانید. در جهالت خود چنان فرو رفته اید که پس از هر عاطفه کشی، برای خود میزان ثواب و اجرتان را محاسبه می کنید تا آن را به حساب طلب خود از خدایان ثبت کنید.

و اما، برای مبارزه با به دار آویختن عاطفه ها علاوه بر اعتراض به صدور حکم اعدام، بایستی به گونه ای رفتار کرد تا آنچه که به عنوان قصاص نامیده می شود، بی اعتبار شود. زمانی که ما با دست خود مجازات قصاص را بی اعتبار کنیم، بی تردید جمهوری اسلامی نیز برای استوار کردن چوبه ی اعدام های خودسرانه، با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد. به امید روزی که ملت ایران، خود از مجازاتی به نام قصاص روی برگرداند.

انجمن دانشجویی دفاع از حقوق بشر در ایران
چهارم شهریورماه 1383

[بازگشت به صفحه نخست](#)